

چالش‌ها و راهکارهای عملی حق دسترسی به وکیل در بازجویی‌های پلیس

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۰۵

از صفحه ۵۱ تا ۷۲

ابراهیم رجبی تاج امیر^۱

چکیده

زمینه و هدف: قانون آیین دادرسی کیفری ایران با فاصله گرفتن از نظام تفتیشی در مرحله تحقیقات پلیسی، دارای تحولاتی اساسی است و با پیش‌بینی سازوکارهای قانونی، گام‌های اساسی رو به جلو در تضمین رعایت حقوق دفاعی متهمان و بزهدیدگان و نیل به دادرسی عادلانه برداشته است. جامعه عمل پوشاندن به این نوآوری قانونی نیازمند سازوکارهای عملی است که نسبت به ایجاد آن‌ها هنوز توجه کافی مبذول نشده است. هدف مقاله حاضر، شناسایی چالش‌ها و ارائه سازوکارهای رعایت حق دسترسی به وکیل در بازجویی پلیس است.

روش: با توجه به ماهیت موضوع، پژوهش حاضر از نظر گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و از طریق مطالعه قوانین داخل و اسناد بین‌المللی، منابع معتبر، کتب، مقالات مرتبط با موضوع و قوانین و مقررات جدید انجام شده و اطلاعات به دست آمده به صورت توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان داد مهم‌ترین چالش‌ها و موانع موجود در زمینه حق دسترسی به وکیل در بازجویی‌های پلیس، ایجاد اختلال در فرآیند کشف جرم، افشای اطلاعات تحقیقات پلیسی، ضرورت تحدید مداخله وکیل در جرائم سازمان‌یافته و امنیتی و تحدید حق مداخله وکیل به بهانه تسریع در کشف جرم است. **نتایج:** مهم‌ترین راهکارهای رعایت حق دسترسی به وکیل، آموزش ضابطان دادگستری، فرهنگ‌سازی پایبندی به قانون، تعیین الگوهای رفتار بازجویان و نظارت بر آن‌ها و ضرورت اتخاذ رویکرد افتراقی در قبال جرائم سازمان‌یافته و امنیتی است تا زمینه چگونگی ایجاد تعادل و توازن میان دغدغه‌های مربوط به شناسایی و دستگیری متهمان و تضمین برخورداری آن‌ها از دادرسی عادلانه فراهم شود.

کلید واژه‌ها: دسترسی به وکیل، بازجویی پلیس، دادرسی عادلانه، کشف جرم، چالش‌ها.

استناد: رجبی تاج امیر، ابراهیم (بهار ۱۳۹۹). چالش‌ها و راهکارهای عملی حق دسترسی به وکیل در بازجویی‌های پلیس. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۵(۵۷)، صص ۷۲-۵۱.

۱. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم نظامی امین، E.rajabi.t@gmail.com

مقدمه

بازجویی از افراد در واحدهای انتظامی، یک سری حقوق دفاعی از جمله حق دسترسی به وکیل را برای آنها ایجاد می‌کند که اغلب آنها یا نسبت به آن حق ناآگاه هستند یا ضربه روحی و آشفتگی و پریشانی فکری ناشی از آن شرایط، مجال صحیح اندیشیدن را از آنها سلب کرده و از این نظر، آنها را در شرایط نابرابری نسبت به ضابطان دادگستری قرار می‌دهد (رجبی تاج امیر، ۱۳۹۸، ص ۶۷). از طرفی، فرهنگ حاکم بر سازمان ضابطان، بهره‌مندی متهم از وکیل در مرحله تحقیقات ضابطان را موجب ایجاد اختلال در فرآیند کشف جرم و لو رفتن سرخ‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده توسط آنها می‌داند (فرجیها و مقدسی، ۱۳۸۸، ص ۲۳). با توجه به اصل برائت و در راستای اصل تساوی سلاح‌ها، باید افراد را نسبت به حق دسترسی به وکیل آگاه و راهکارهای عملی این حق را احصاء کرد. شناسایی چالش‌ها و ارائه راهکارهای عملی حق دسترسی به وکیل در بازجویی‌های پلیس موجب مداخله مؤثر وکیل در فرآیند بازجویی شده و از این طریق تمامی اقدام‌ها و فعالیت‌های ضابطان از جمله کشف جرم، شناسایی و دستگیری متهمان و بازجویی از آنها تحت نظارت و کنترل قرار می‌گیرد. همچنین، حضور وکیل در حسن اجرای قوانین، تسریع در رسیدگی، کشف حقیقت و اجرای عدالت و در نهایت ایجاد نظم و امنیت اجتماعی بسیار مؤثر است. برخی از ضابطان بر این باورند که مبارزه همه‌جانبه با جرم‌های سازمان‌یافته، ایجاب می‌کند که پس از دستگیری که احتمال دستیابی به دلایل بیش از زمان‌های دیگر است، مداخله وکیل در فرآیند بازجویی از متهم محدود شود. این اقدام باعث اخذ اقرارهای نادرست از افراد و سوءاستفاده احتمالی ضابطان دادگستری در انجام بازجویی‌ها و در نتیجه تضییع حقوق متهمان خواهد شد. در همین راستا، این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که راهکارهای عملی حق دسترسی به وکیل در بازجویی‌های پلیس کدام است؟

اصلی‌ترین مقدمه لازم برای تحقق تساوی سلاح‌ها و بهره‌مندی متهم از حقوق دفاعی خود، مطلع ساختن وی از این حقوق است (ساقیان، ۱۳۹۳، ص ۱۱۰). تصمیمات قضایی و سرنوشت متهمان پرونده تا حدود زیادی در گرو چگونگی انجام تحقیقات پلیسی است. عدم رعایت حقوق دفاعی متهم در این مرحله و اعمال فشارهای فیزیکی، روحی و روانی به وی ممکن است منجر به پذیرش اتهام شده و محکومیت کیفری او را به دنبال داشته باشد (فرجیها و مقدسی، ۱۳۸۸، ص ۱۸). از این‌رو، در بیشتر نظام‌های دادرسی کیفری

حضور وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی به عنوان یک اصل پذیرفته شده است و تنها در برخی موارد استثنایی، مداخله وکیل در این مرحله با محدودیت‌هایی مواجه است. این مقاله در جهت تحقق اهداف راهبردی یعنی شناسایی چالش‌ها و محدودیت‌های دسترسی به وکیل و سازوکارهای عملی رعایت این حق در فرآیند بازجویی پلیس، به نگارش در آمده است.

پیرامون موضوع مقاله، مطالعات زیادی انجام نشده است، ولی در ادامه سعی می‌شود به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره شود. نیازپور (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری؛ جلوه‌ای از حقوق شهروندی»، به این نتیجه رسیده است که تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران همواره وکیل متهمان که می‌تواند با آگاهی از چیرستی پرونده جنایی، آزادانه در راستای دلیل‌آوری و اثبات بی‌گناهی اقدام کند را بیگانه انگاشته و تفتیشی بودن فرآیند کیفری را بر رعایت حقوق دفاعی متهمان در این فرآیند مقدم می‌شمارند. فرجیها و مقدسی (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی با عنوان «دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی»، در بررسی حق مذکور به این نتیجه رسیده‌اند که پذیرش یا عدم پذیرش وکیل ارتباط نزدیکی با میزان توانایی ضابطان در بهره‌گیری از روش‌های علمی کشف جرم و شناسایی و دستگیری متهمان دارد.

گلدوست جویباری و ابراهیمی منش (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «حق برخورداری مظنونان و متهمان از وکیل مدافع منتخب؛ تطبیق با اسناد حقوق بشری»، به این نتیجه رسیده‌اند که ملزم کردن طرفین دعوا در جرائم امنیتی و سازمان‌یافته برای تعیین وکیل از بین وکلای رسمی دادگستری مورد تأیید قوه قضائیه مغایر با قانون اساسی و اسناد حقوق بشری و تکالیف بین‌المللی ایران است. همچنین، رجبی تاج امیر (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «حق دسترسی به وکیل در تحقیقات پلیسی»، به این نتیجه رسیده که یکی از مؤثرترین روش‌های فراهم آوردن شرایط لازم برای پذیرش وکیل در نزد ضابطان، تجهیز پلیس به روش‌های مدرن و علمی جمع‌آوری ادله فیزیکی است.

از اقتضائات اصل برائت این است که حق دفاع متهم در جریان تحقیقات و رسیدگی به اتهام وارد بر وی باید به بهترین وجه ممکن تضمین شود و او از همه امکانات قانونی برای دفع اتهام از خود برخوردار باشد. از این‌رو، فرض برائت که در اصل ۳۷ قانون اساسی آمده، منشأ همه حقوق و الزامات ناظر بر تضمین حق دفاع متهم تلقی می‌شود تا آنجا که اگر اصول و قواعد دیگر هم وجود نداشت، غنای اصل برائت به تنهایی برای تأمین حقوق

دفاعی متهم کافی می‌نمود. مهم‌ترین معیار تضمین حق دفاع متهم، پیش‌بینی حق انتخاب وکیل برای وی در قوانین کیفری است (گلدوست جویباری، ۱۳۹۳، ص ۱۴۶). بدین ترتیب، گرایش به تحلیل جنبه‌سری بودن تحقیقات مقدماتی و تقویت بعد ترافیکی آن، امروزه عرصه‌مداخله وکیل مدافع را در این مرحله به‌ویژه تحقیقات پلیسی فراخ‌تر کرده است که این مهم خود معلول ضرورت مراعات حقوق دفاعی متهم تلقی می‌شود. از این‌رو، شناخت حقوق مذکور و تفهیم آن‌ها به محض دستگیری و تحت نظر قرار دادن متهم توسط ضابطان، جدای از اینکه از آثار اصل برائت است، از به اتهام کشیدن متهم توسط خود جلوگیری به عمل می‌آورد. اطلاع مؤثر و صریح متهم از این حقوق، بدون شک منجر به رعایت اصل تساوی سلاح‌ها میان ضابطان دادگستری و متهم و حفظ حقوق او خواهد شد (رجبی تاج امیر، ۱۳۹۸، ص ۵۳).

گفتنی است، حقوق دفاعی را حکومت ایجاد نمی‌کند، بلکه این حقوق از آثار فرض بی‌گناهی‌اند. متهم از فرض بی‌گناهی بهره‌مند است و امتیازهای پیش‌گفته متعلق به اوست و نمی‌توان آن‌ها را از وی سلب کرد و حکومتی که چنین حقوقی را به رسمیت نشناسد یا آن‌ها را محدود کند، فرض بی‌گناهی را نقض کرده و به تبع آن به کرامت ذاتی آدمیان تعرض کرده است. مواردی همچون جلوگیری از دسترسی متهم به پرونده، جلوگیری از حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی و عدم تمهید امکانات مادی و معنوی برای استفاده از تضمین‌های پیش‌بینی‌شده خلاف فرض بی‌گناهی است.

اصل تساوی سلاح‌ها^۱ یکی از بارزترین جلوه‌ها و اصول راهبردی دادرسی عادلانه محسوب می‌شود که ریشه در اصل برابری در دادرسی دارد. این اصطلاح را نخستین بار کمیسیون اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۵۹ میلادی به کار برده است. اصل برابری سلاح‌ها بر این حق برای طرف‌های دعوا تأکید دارد که هر یک از آن‌ها باید بتواند ادعای خود را در شرایطی مطرح کند که وی را نسبت به طرف مقابل خود به‌گونه‌ای اساسی در وضعیت نامناسب‌تری قرار ندهد. این اصل از سال‌ها پیش در کشورهای مختلف پذیرفته شده و رعایت آن از جمله شرط‌های اساسی دادرسی عادلانه است. در واقع، پذیرش این اصل در کشورهای مختلف متأثر از «الگوی جهانی دادرسی عادلانه» است. این الگوی جهانی که بر پایه اسناد بین‌المللی به‌ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و

1. Equality of Arms

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در حال تکوین است، بر پایهٔ توافقی کردن هرچه بیشتر دادرسی به‌ویژه در مرحلهٔ تحقیقات مقدماتی و دادن امکانات برابر به همهٔ طرف‌های دعوا و در نتیجه، گرایش به سوی یک نظام اتهامی شکل گرفته است (ساقیان، ۱۳۸۵، ص ۸۱).

در حقیقت، این اصل ریشه در اصطلاح لاتین «حرف دو طرف را بشنوید»^۱ داشته و تداعی‌گر رعایت اصل توافقی بودن دادرسی است. بنابر این اصل، هر دو طرف فرآیند دادرسی باید دارای فرصت و تسهیلات برابر باشند، به‌گونه‌ای که هیچ یک از دو طرف دعوا نسبت به دیگری در موقعیت نامطلوبی قرار نگیرد. مبنای اصل برابری سلاح‌ها در حق برابری و تضمین عدالت نهفته است؛ چراکه برابری میان دو طرف می‌تواند منجر به اجرای عدالت شود. انسان‌ها با یکدیگر برابرند و از این‌رو، دارای حقوق و تکالیف یکسان خواهند بود. اصل برابری سلاح‌ها از یک‌سو، این برداشت را تداعی می‌کند که دادگاه نسبت به دو طرف دعوا رفتار یکسانی داشته باشد و از سوی دیگر، طرفین از امکانات، تسهیلات و فرصت برابر برخوردار باشند.

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع، پژوهش حاضر از نظر گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و از طریق مطالعهٔ قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی، منابع معتبر، کتب، مقالات مرتبط با موضوع و قوانین و مقررات جدید انجام شده و اطلاعات به دست آمده به صورت توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های این تحقیق که حاصل بررسی کتب، قوانین و اسناد بین‌المللی است، به دو بخش چالش‌ها و محدودیت‌های دسترسی به وکیل در فرآیند بازجویی و راهکارهای عملی حق دسترسی به وکیل تقسیم می‌شود.

چالش‌ها و محدودیت‌های دسترسی به وکیل در فرآیند بازجویی

الف) ایجاد اختلال در فرآیند کشف جرم: برخی از طرفداران الگوی کنترل جرم بر این

1. Audi Alteram Partem

باورند که دسترسی متهم به وکیل موجب بروز اختلال در فرآیند کشف جرم و شناسایی و دستگیری مجرمان و افشای اطلاعات محرمانه مربوط به پرونده می‌شود. از دیدگاه پلیس، بهره‌مندی متهم از وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی موجب ایجاد اختلال در فرآیند کشف جرم و لو رفتن سرنخ‌ها توسط آن‌ها خواهد شد. برخی از ضابطان نیز بر این باورند که مبارزه همه‌جانبه با جرم‌های سازمان‌یافته، ایجاب می‌کند پس از دستگیری که احتمال دستیابی به دلایل بیش از زمان‌های دیگر است، مداخله وکیل در فرآیند بازجویی از متهم محدود شود؛ زیرا آگاهی وکیل از محتویات پرونده موجب از بین بردن دلایل جرم، فرار دیگر متهمان و هم‌دستان و نیز عدم همکاری متهم با پلیس خواهد شد (فرجیها و مقدسی، ۱۳۸۸، ص ۱۵). تجربه نشان داده است، وکلای مدافع در امر حمایت از موکل از قاضی تحقیق دستور ملاقات حضوری متهم و خانواده‌اش را اخذ می‌کنند که این ملاقات‌ها چنانچه در مراحل اولیه تحقیقات جنایی باشد، مشکلات عدیده‌ای برای کارآگاهان جنایی در زمینه کشف حقایق و به سرانجام رساندن پرونده‌ها، به وجود می‌آورد؛ مثل فراری دادن و تبانی با همدستان متهم، از بین بردن آثار و دلایل جرم، جابجایی و مخفی کردن اموال مسروقه و غیره (طلایی، ۱۳۸۸، ص ۵۸). از طرفی، مداخله وکیل در فرآیند بازجویی موجب می‌شود تمامی اقدام‌های ضابطان از جمله کشف جرم و شناسایی و دستگیری متهمان و بازجویی از آن‌ها تحت نظارت و کنترل قرار گیرد و از این رهگذر، مانع سوءاستفاده احتمالی ضابطان دادگستری در انجام وظایفشان شود (مودن‌زادگان، ۱۳۸۹، ص ۲۹۵). با این حال، هدف اولیه نظام عدالت کیفری در مدل کنترل جرم، سرکوب رفتار مجرمانه، با اولویت دادن به ارتقای کمی و کیفی امنیت اشخاص و اموال و مبارزه سریع و قاطع علیه مجرمان، حتی به بهای تعدیل بعضی حقوق متهمان (حق دسترسی به وکیل) در مرحله کشف جرم است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲، ص ۱۶). پیش‌بینی محدود کردن حق دسترسی به وکیل در جرائم مهم در برخی از اسناد بین‌المللی^۱، در واقع پاسخی است به دغدغه‌های پلیسی که ارتباط وکیل مدافع با متهم را مانع انجام تحقیقات جنایی مؤثر می‌داند.

به نظر می‌رسد پذیرش یا عدم پذیرش وکیل، ارتباط نزدیکی با میزان توانایی ضابطان در بهره‌گیری از روش‌های علمی کشف جرم و شناسایی و دستگیری متهمان دارد. هرچه

۱. اصل ۷ اصول اساسی نقش وکلای دادگستری.

نظام‌های کشف جرم سنتی‌تر و غیرعلمی‌تر باشند، حضور وکیل موانع جدی‌تری بر سر راه آن‌ها برای به نتیجه رسانیدن پرونده‌ها از رهگذر اجبار فیزیکی برای گرفتن اقرار ایجاد خواهد کرد (فرجیها و مقدسی، ۱۳۸۸، ص ۲۶). از این‌رو، یکی از مؤثرترین روش‌های فراهم آوردن شرایط لازم برای پذیرش وکیل در نزد ضابطان، تجهیز پلیس به روش‌های مدرن و علمی جمع‌آوری ادله فیزیکی است.

ب) افشای اطلاعات تحقیقات پلیسی: اکثر ضابطان دادگستری معتقدند که حضور وکیل در فرآیند بازجویی ضابطان دادگستری موجبات افشای اطلاعات تحقیقاتی را فراهم آورده و در عمل تحقیقات را با چالش مواجه می‌کند. بر این اساس، ضابطان بیشتر بر محرمانه بودن روند بازجویی‌ها اصرار دارند. محرمانه بودن تحقیقات، مانع آگاهی یافتن مرتکب متواری یا اشخاص مظنون به ارتکاب جرم از اقدامات تحقیقی شده، از ورود لطمه به تحقیقات جلوگیری می‌کند (پرادل^۱، ۲۰۰۴، ص ۴۵۲). در واقع، هدف از محرمانه بودن تحقیقات پلیس، بی‌اطلاع نگه‌داشتن متهم و وکیل مدافع وی از اقدامات تحقیقی و گاه حتی از اتهام مطروحه علیه وی به منظور غافلگیر ساختن او در وقت مناسب است که در چنین شرایطی، دسترسی متهم و وکیلش به پرونده اتهامی نیز امری بی‌معنا است و با هدف کشف حقیقت و اعطای حقوق دفاعی لازم به متهم، سازگار نیست.

منظور از محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی^۲، ممنوع بودن انتشار اطلاعات آن است. بنابراین، کلیه اقداماتی که ضابطان دادگستری، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌دهند و در مجموع تحقیقات مقدماتی نامیده می‌شود، اسرار پرونده تلقی شده و باید حفظ شود (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۱). از این‌رو، وکلای مدافع به لحاظ سمت خود در پیشبرد فرآیند تحقیقات ایفاء نقش می‌کنند و از تمام یا برخی از اقدامات تحقیقی ضابطان مطلع می‌شوند و در این خصوص موظف به رعایت محرمانه بودن تحقیقات و عدم افشای آن هستند. بنابراین، دخالت وکیل مدافع در تحقیقات باید با رعایت حفظ اسرار پرونده توسط وکیل مدافع همراه باشد.

1. Pradel

۲. ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد، مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر کند. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند، موظف به حفظ اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند».

ج) ضرورت تحدید مداخله و کیل در جرائم سازمان یافته و امنیت: در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری^۱، عبارت «که مجازات آن‌ها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است»، وصف جرائم سازمان یافته بوده و به عبارت قبل از آن یعنی «جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی» تسری ندارد. از طرفی، تبصره مذکور به رغم تصویب مواد مختلفی در حمایت از حق دفاع متهم (مواد ۵، تبصره ۲ ماده ۱۳، ۱۹۰، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۴۱۵)، جدا از ناهمگونی با ماده ۴۸ که ناظر به وظایف ضابطان و ملاقات و کیل با متهم در مرحله تحت نظر در جرائم مشهود است، محدودیتی ناروا بر حق دفاع که یکی از آثار آن حق انتخاب و کیل است وارد ساخته و در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، شائبه‌ای نابه‌جا را متوجه قوه قضائیه کرده است (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۶۹). محاکم داخلی، در تعیین و کیل مدافع حتماً باید بر طبق انتخاب متهم عمل کنند. هر چند در برخی از موارد می‌توانند به نظر آن‌ها عمل نکنند و آن هم زمانی است که تشخیص دهند در راستای منافع اجرای عدالت، دلایل کافی برای ضرورت این امر وجود دارد. همچنین، با عنایت به عبارت عام «مرحله تحقیقات مقدماتی» باید قائل به آن بود که اطلاق ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری با توجه به تبصره اخیرالتصویب ماده ۴۸ دستخوش تغییر قرار می‌گیرد و قانون‌گذار رویه سابق خود (ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸) مبنی بر محدودیت حضور و کیل در مرحله تحقیقات مقدماتی را ادامه می‌دهد. تبصره ماده ۱۲۸ قانون سابق این محدودیت را در سه مورد پیش‌بینی می‌کرد؛ در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا آنکه حضور متهم به تشخیص قاضی موجب فساد شود و در جرائم علیه امنیت. اما با توجه به اصلاحات تبصره ماده ۴۸ در سال ۱۳۹۴، این محدودیت ناظر به جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته، تنها در صورتی اعمال خواهد

۱. تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آن‌ها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، و کیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌کنند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌شود». این تبصره قبل از اصلاح مقرر می‌داشت: «اگر شخص به علت اتهام ارتکاب یکی از جرائم سازمان یافته یا جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقه، مواد مخدر و روان‌گردان یا جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده ۳۰۲ این قانون تحت نظر قرار گیرد تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن، امکان ملاقات با وکیل را ندارد».

۲. جرائمی که مجازات آن‌ها مشمول ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری است، عبارت‌اند از: الف) جرائم موجب مجازات سلب حیات؛ ب) جرائم موجب حبس ابد؛ پ) جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دینه کامل یا بیش از آن؛ ت) جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر.

شد که مجازات این جرائم مواردی نظیر سلب حیات و غیره (موضوع ماده ۳۰۲) این قانون باشد.

تبصره مزبور از چند جهت با قانون اساسی مغایرت دارد: اولاً به موجب اصل ۳۵ قانون اساسی در همه دادگاه‌ها حق انتخاب وکیل برای طرفین دعوا به رسمیت شناخته شده است. ولی تبصره مزبور حق ملت را محدود کرده و افراد را ملزم کرده تا وکیل خود را از بین وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضاییه انتخاب کنند. ثانیاً، براساس بند ۹ اصل سوم قانون اساسی، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه در زمینه‌های مادی و معنوی برای ملت به رسمیت شناخته شده است. هیچ قانون عادی نیز نمی‌تواند حقی که در قانون اساسی برای ملت به رسمیت شناخته شده را محدود کند. اما نتیجه تبصره مزبور این است که موجب تبعیض ناروا بین وکلا و از بین بردن امکانات عادلانه برای همه افراد جامعه در انتخاب وکیل موردنظر خواهد شد. ثالثاً، به موجب بند ۱۴ از اصل سوم قانون اساسی، تأمین حقوق افراد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون را برای ملت به رسمیت شناخته است. در حالی که مورد تأیید قرار گرفتن وکلا توسط رئیس قوه قضاییه در تبصره مزبور، امنیت قضایی عادلانه را خدشه‌دار می‌کند (گلدوست جویباری و ابراهیمی منش، ۱۳۹۴، ص ۱۲۶). از این‌رو، زمانی که امر قضا و دفاع زیرمجموعه قوه قضائیه باشند، چگونه می‌توان بی‌طرفی و عادلانه بودن دادرسی را پذیرفت.

عبارت «مورد تأیید رئیس قوه قضائیه» در متن تبصره مزبور سرشار از ابهام است. به بیان دیگر، این تأیید بایستی از حیث اخلاقی یا علمی باشد یا از جنبه‌ای دیگر؟ صلاحیت اخلاقی یا علمی وکلایی که بتوانند در خصوص تبصره ماده ۴۸ وکالت کنند با چه ملاکی احراز خواهد شد؟ با چه معیار و میزانی این تأیید صورت می‌گیرد؟ با فرض وجود معیار و میزانی برای تأیید وکلا، چگونه رئیس قوه قضائیه می‌تواند چند ده‌هزار وکیل دادگستری را براساس میزان فرضی بسنجد و مورد تأیید یا عدم تأیید قرار دهد (رجبی تاج امیر، ۱۳۹۸، ص ۷۱). از دلایل تصویب این تبصره، فرض افشای محتوای برخی پرونده‌ها در جرائم امنیتی است. ولی این دلیل قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد؛ زیرا وکیل نیز براساس قانون همانند بسیاری از صاحبان مشاغل دیگر موظف به حفظ اسرار شغلی خود است و افشای اسرار شغلی در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ جرم‌انگاری شده است و وکیل خاطی قابل مجازات است. این امر را نمی‌توان بهانه‌ای بر

محروم کردن برخی افراد جامعه از حق مشروع و قانونی آن‌ها قرار داد. وکیل هم مانند قاضی و سایر مقام‌های اداری و دولتی و افراد عادی ممکن است از مسیر عدالت خارج شود، آیا راه‌حل این مسئله را به جای محاکمه و کلای متخلف، می‌توان در ایجاد محدودیت در حقوق دفاعی ملت یافت (گلدوست جویباری؛ ابراهیمی منش، ۱۳۹۴، ص ۱۲۸). گفتنی است، ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری نیز حکمی مشابه با تبصره ماده ۴۸ دارد و ایرادهای مذکور به این ماده نیز وارد است.^۱

با احراز شرایط قانونی و اخذ پروانه وکالت در دادگستری به‌طور کلی و شمول مقررات کیفری و انضباطی بر عملکرد آن‌ها، ایجاد محدودیت در انتخاب وکیل در پرونده‌های خاص، آن هم از سوی مرجعی که خود در مقام رسیدگی بوده و باید بی‌طرفی را رعایت کند، اقدامی قابل دفاع به نظر نمی‌رسد (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۵۲۷). از این‌رو، در خصوص جرائمی مانند جرائم علیه امنیت که عرصه بارز هم‌اوردی متهم و دولت است، چرا بایستی وکیل متهم، مورد تأیید طرف دیگر دعوا (دولت) باشد. لذا، مفاد این ماده آشکارا در تعارض با اصل تساوی سلاح‌ها قرار دارد.

تنها محدودیتی که در زمینه حق دسترسی به وکیل وجود دارد صدور قرار عدم دسترسی به پرونده در سه مورد است که وکیل متهم را ناگزیر می‌سازد بدون مطالعه پرونده و براساس اظهارات طرفین و مقام قضایی، حقایقی را استنباط کرده و به دفاع از موکل خود بپردازد: ۱- در جرائم منافی عفت «تبصره ۳ ماده ۱۹۰»؛ ۲- در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی «ماده ۱۹۱»؛ ۳- در سایر پرونده‌ها چنانچه مطالعه یا دسترسی به پرونده منافی با ضرورت کشف حقیقت باشد «ماده ۱۹۱» (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۸). در این موارد، ممنوعیت دسترسی به پرونده باید با صدور قرارى موجه و مستدل از سوی بازپرس صورت گیرد، ضمن اینکه دو مورد اول هیچ‌قیدی نداشته و بازپرس فقط مکلف به استدلال در جهت منافی عفت بودن جرم یا بر ضد امنیت داخلی یا خارجی بودن آن است. بدیهی است که دفاع متهم یا دفاع از متهم بدون دسترسی پرونده، امری دشوار و ضربه‌ای بزرگ به حق دفاع محسوب می‌شود (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۲). براساس قاعده

۱. ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «در جرائم علیه امنیت کشور یا در مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به کلی سری است، طرفین دعوا، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید سازمان قضایی نیروهای مسلح باشد، انتخاب می‌کنند. * تبصره: تعیین وکیل در دادگاه نظامی زمان جنگ، تابع مقررات مذکور در این ماده است.»

وجوب مقدمه واجب، باید قائل به این نظر شد که لازمه و مقدمه دفاع وکیل از متهم، مطالعه پرونده اتهامی توسط وکیل است، مضافاً اینکه ماده ۱۹۱، مطالعه و دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده توسط وکیل را تصریح کرده است. در حقیقت، اصل بر مطالعه پرونده است و موارد استثنای این اصل را قانون‌گذار در این ماده بیان کرده است (گلدوست جویباری، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴).

نویسندگان قانون آیین دادرسی کیفری با پیروی از «رویکرد امنیت مدار»، بر محرومیت متهمان یا وکیل آن‌ها در زمینه دسترسی به پرونده امنیتی و ممنوع بودن در مداخله و اظهارنظر بیش از گذشته پافشاری کرده‌اند؛ زیرا در مواد ۱۹۰ (تبصره ۳) و ۱۹۱، از یکسو مانند گذشته تنها حق مطالعه پرونده امنیتی و اظهارنظر تشریفاتی در فرآیند پیش از دادرسی را برای وکیل متهمان به رسمیت شناخته و از سوی دیگر، صدور قرار عدم دسترسی به پرونده جنایی از سوی بازپرس را پیش‌بینی کرده‌اند. بدین‌سان، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران همواره وکیل متهمان که می‌تواند با آگاهی از چیستی پرونده جنایی، آزادانه در راستای دلیل‌آوری و اثبات بی‌گناهی اقدام کند (اردبیلی، ۱۳۸۵، ص ۸۱)، را بیگانه انگاشته و تفتیشی بودن فرآیند کیفری را بر رعایت حق‌های دفاعی متهمان در این فرآیند مقدم می‌شمارند (نیازپور، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵). با این حال، تنها محدودیت در جرائم منافی عفت را باید تبصره ماده ۳۵۱ این قانون دانست که دادن تصویر از اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت به متهم یا وکلای وی را ممنوع دانسته است.

د) **تحدید حق مداخله وکیل به بهانه تسریع در کشف جرم:** یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تحقیقات خوب، سرعت مداخله و انجام تحقیقات است. براساس ماده ۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری، تحقیقات مقدماتی بایستی به سرعت و به نحو مستمر انجام شود و ایام تعطیلات مانع انجام آن نیست. سرعت تحقیقات به خصوص در جرائم جنایی به جهت رعایت حقوق طرفین پرونده و جامعه از اهمیت دوچندان برخوردار است. لذا میزان فاصله زمانی وقوع جرم تأثیر مستقیم بر نتیجه‌بخش بودن و موفقیت تحقیقات دارد و هرچه فاصله زمانی بین زمان وقوع حادثه و شروع تحقیقات کمتر باشد، شانس موفقیت بیشتر است؛ زیرا بر اثر گذشت زمان اطلاعات و ادله فراوانی از بین می‌رود و دیگر اینکه گذشت زمان باعث متواری شدن متهمان می‌شود.

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد حدود ۸۰ درصد از افسران اداره آگاهی بر این باورند که چنانچه مخالفتی با حضور و وکلای مدافع متهمان در پرونده‌ها نداشته باشند، علاقه‌ای نیز به حضور و دخالت این قشر در روند تحقیقات خود نخواهند داشت و علت آن را مشکلات فراوانی می‌دانند که ممکن است این افراد در روند تحقیقات و کشف پرونده‌های جنایی به وجود آورند (طلایی، ۱۳۸۸، ص ۵۸).

یکی از مراحل مهم و سرنوشت‌ساز دعوای عمومی، مرحله تحقیقات مقدماتی است و این بدان علت است که از نظر زمانی، معمولاً مدت زیادی از تاریخ وقوع جرم تا انجام تحقیقات نگذشته و دلایل و آثار جرم از بین نرفته است و این احتمال وجود دارد که متهم هنوز متواری نشده یا برای رهایی از مجازات با شرکاء و معاونان خود دست به تبانی زده باشد. بدین ترتیب، این تحقیقات تأثیر زیادی در حفظ و جمع‌آوری دلایل و تشکیل پرونده‌های کامل و آماده برای رسیدگی در دادگاه دارد. از این‌رو، سرعت در انجام تحقیقات مقدماتی باید به عنوان یک اصل حاکم بر تحقیقات شناخته شود^۱، بدون اینکه دقت مقام تحقیق و رعایت حقوق متهم، در برابر آن فدا شود (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۶). همچنین، شیوه‌های کارآمد مبارزه با جرائم سازمان‌یافته و تروریستی گاهی اوقات محدودیت‌های خاص حق مدافعه را به خصوص در رابطه با مقدمات دسترسی به وکیل، پرونده دعوا و استفاده از شهادت گمنام موجه می‌سازند. با این وجود، چنین محدودیت‌های بر حق مدافعه حتماً باید متناسب با هدف آن باشد و معیارهای جبرانی برای حفظ منافع متهم باید لحاظ شود تا عدالت در جلسات بازجویی حفظ شود (دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر ملل متحد، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶).

راهکارهای عملی حق دسترسی به وکیل

الف) فرهنگ‌سازی پایبندی به قانون در ضابطان دادگستری: از مواردی که همواره در رأس ایرادات حقوق بشری نمایندگان سازمان ملل در گزارش‌ها آمده است، نقایص سازوکارهای اجرایی حضور وکیل در فرآیند تحقیقات پلیسی بوده است. ایجاد فرهنگ‌سازی برای ضابطان در راستای پایبندی به قانون‌مندی و عدم امتناع آن‌ها از اجرای این نوآوری‌ها، شرط موفقیت نهادهای آیین دادرسی کیفری است (آشوری، ۱۳۹۶،

۱. در این زمینه می‌توان به مواد ۹۴، ۹۵ و ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره کرد که هر یک به‌نوعی بر لزوم سرعت در تحقیقات مقدماتی تأکید کرده‌اند.

ص ۱۲). بر این اساس، انجام اصلاحات و تغییر نوع نگاه و فرهنگ حاکم بر ضابطان به وکیل ضروری است.

استفاده از سازوکار تفهیم حقوق متهم، ابزاری عملی برای تضمین پایبندی ضابطان به رعایت حق دسترسی به وکیل از بدو تحقیقات است (قاسمی مقدم، ۱۳۹۴، ص ۱۳۴). به همین علت، تفهیم حقوق متهم نمی‌تواند مشروط بر ناآگاهی متهم از حقوق خود یا حتی وجود اضطراب روانی در وی باشد^۱. بدین‌سان، التزام عملی ضابطان به قانون و رعایت دادرسی عادلانه در رویه و عمل را می‌توان یکی از معیارهای سنجش دادرسی عادلانه به شمار آورد.

نقش وکیل هم به عنوان یک ناظر بر اجرای صحیح قانون در بازجویی ضابطان و هم به عنوان یک مدافع و شفافیت بخش روند بازجویی، برای تحقق مفهوم عدالت نمایان می‌شود. در واقع، یکی از معیارهای دادرسی عادلانه که خود از مؤلفه‌های حاکمیت قانون به شمار می‌آید، حق دسترسی به وکیل است. همچنین، یکی از مبانی حاکمیت قانون، میزان پایبندی نظام حقوقی و سیستم حاکمیت قانون به حقوق بشر و الزامات ناشی از آن است (مالمیر، ۱۳۸۵، ص ۹۲). بالتبع، ضابطان دادگستری از این قاعده مستثنی نیستند. بنابراین، حقوق دفاعی متهم که از جمله مصادیق حداقلی و آزادی‌های اساسی بشر است، بدون دسترسی به وکیل محقق نمی‌شود و نقض حقوق متهم به‌مثابه نقض حقوق بشر و پایمال کردن حداقل حقوق یک انسان و در نتیجه تعدی علیه یکی از مؤلفه‌های حاکمیت قانون محسوب می‌شود. مؤید این نظر، رهنمود کمیته منع شکنجه سازمان ملل متحد است که دسترسی و حضور وکیل مدافع را به‌عنوان راهبردی اساسی در کاهش شکنجه در تحقیقات پیش از محاکمه محسوب کرده است.

هرچند که در مقررات تقنینی ایران به حقوق دفاعی متهم به‌ویژه در فرآیند بازجویی پلیس اشاره شده است، با این وجود، به دلیل رویکرد تفتیشی مرحله تحقیقات پلیسی، ضرورت‌های عملی و عدم تعامل اندیشمندان حقوقی، قانون‌گذار، مقام‌های قضایی و پلیسی با یکدیگر، این امر به صورت مناسب آن چنان که در اسناد بین‌المللی آمده، از سوی پلیس به نحو کامل رعایت و اجرا نمی‌شود. در واقع، رویه‌های نادرستی مانند اخذ

۱. قانون آیین دادرسی کیفری به موجب مواد ۵، ۶، ۴۸، ۵۲ و ۱۹۰، خود ضابطان دادگستری و بازپرس را به عنوان یک نقش فعالانه مکلف به ابلاغ و تفهیم «حق همراه داشتن وکیل» به متهم کرده است.

امضا و اثرانگشت متهمان بر روی اوراق مربوط به تفهیم حقوق آن‌ها بدون تفهیم یا حتی قرائت این حقوق برای متهمان به شکلی نامفهوم و تشویق متهمان به چشم‌پوشی از حقوق خود، در عمل میان پلیس متداول شده است. بنابراین، به صرف ذکر معیارهای دادرسی عادلانه در قالب مجموعه‌های قانونی یا بخشنامه‌ها نمی‌توان تغییر چندانی را ایجاد کرد، بلکه مسئله مهم تغییر رویکرد و دیدگاه و فرهنگ حاکم بر پلیس است که این مهم، امری زمان‌بر و نیازمند همت تمام پلیس است.

ب) پیش‌بینی بودجه لازم به منظور بهره‌مندی از وکیل تسخیری: حق متهم در برخورداری از وکیل، در دسته حق - مطالبه‌ها جای می‌گیرد. بر پایه آن، متهم حق دارد در سراسر فرآیندهای کیفری، وکیل داشته باشد و از تخصص حقوقی وکیل استفاده کند. در برابر، دولت نیز مکلف است ضمن به رسمیت شناختن این حق، زمینه‌های مناسب برای دسترسی همگان به آن را فراهم سازد (موحد، ۱۳۸۴، ص ۵۵). علاوه بر این، سیاست‌گذاران جنایی، باید از یک‌سو، حضور آزادانه وکیل را تضمین کنند تا از این رهگذر، وکیل بتواند برداشت خود در خصوص پرونده و چگونگی سپری شدن فرآیند کیفری را در هنگام لزوم بیان کند و از سوی دیگر، در راستای پیش‌بینی سازوکارهای مناسب، جهت استفاده از وکیل رایگان تسخیری، برای دفاع از حقوق موکل گام بردارد (نیازپور، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳). از این‌رو، اصل ۳ از اصول پایه نقش وکلا تصریح دارد که دولت‌ها کمک مالی و ذخایر کافی را برای ارائه خدمات حقوقی به فقرا و دیگر اشخاص محروم تأمین کنند. انجمن‌های وکلای حرفه‌ای باید در ساماندهی و تأمین خدمات، امکانات و ذخایر دیگر همکاری کنند.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، بستر لازم برای اجرای آن است. در واقع اجرایی کردن ماده مذکور نیازمند بودجه، امکانات و تجهیزات مادی، اداری و اجرایی لازم است. آنچه در ماده ۴۸ موضوعیت دارد، حق دفاع متهم از طریق مشورت با وکیل و در واقع، حضور «وکیل مدافع» و ملاقات وی با شخص تحت نظر است، نه حضور و ملاقات «وکیل متهم». پس اگر شخص تحت نظر، وکیلی هم نداشته باشد (که عرفاً و عادتاً در جرائم مشهود نیز چنین است) و تقاضای آن را کند، باید وکیلی توسط ضابطان برای وی فراخوانده شود (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۶۷). از این‌رو، اجرایی کردن این مهم، مستلزم بودجه و امکانات و تجهیزات اداری است. اما با سکوت ماده فوق و فقدان مجوزی صریح برای پرداخت وجهی از بودجه عمومی در پرداخت هزینه وکیل،

ضابطان را عملاً در اجرای این مهم با چالش مواجه کرده است. در سیاست جنایی ملی، اصل سی و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شاخص‌ترین و بنیادی‌ترین مبنای این حق است که در پرتوی آن حتی دولت مکلف شده، امکانات مناسب را به منظور دسترسی همگان به این حق، فراهم کند (نیازپور، ۱۳۸۷، ص ۳۰۷) و مطابق این اصل، بزه‌دیده و متهم می‌توانند در کلیه مراحل فرآیند کیفری، وکیل داشته باشد و در صورت ناتوانی مالی - اقتصادی، دولت به تهیه امکانات مناسب جهت دسترسی این دسته به حق مذکور مکلف شده است. همچنین، با عنایت به ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری که ناظر بر فراهم کردن سازوکارهای رعایت و تضمین حقوق دفاعی متهم از جمله حق دسترسی به وکیل توسط ضابطان است و در راستای احترام به حق دفاع و تأمین شرایط آن، مناسب است قانون‌گذار به صراحت پرداخت هزینه وکیل تسخیری را در ردیف بودجه نیروی انتظامی پیش‌بینی کرده و از محل اعتبارات این سازمان تأمین کند.^۱

ج) تعیین الگوهای رفتار بازجویان و نظارت بر رعایت آن‌ها: به موازات افزایش کاربرد سازوکار تضمین حق دسترسی متهم به وکیل در فرآیند بازجویی‌ها، ضرورت تدوین استانداردهایی برای حفظ انسجام این رویکرد مطرح می‌شود. چگونگی تدوین استانداردها و شیوه‌های اجرای آن، نقش مهمی در امکان تحقق اهداف تضمین این حق دارد. با توجه به فرهنگ شغلی حاکم بر ضابطان و رؤیت‌ناپذیری اقدامات آن‌ها و بنا بر آزادی عمل اعطاء شده به این نهاد، در واقع آن‌ها تصمیم می‌گیرند چه شخصی در فرآیند بازجویی، از وکیل برخوردار باشد و برای چه مدت‌زمانی و به چه شکلی این حق اجرایی شود. از این‌رو، نحوه اجرای این حق، باعث رفتارهای متفاوتی در ضابطان می‌شود که می‌تواند بر متغیرهای فراقانونی (ترکیب نژادی، قومی، جنسیتی و طبقات اجتماعی) متهمان اثرگذار باشد.

در نظام تقنینی ایران، نهادهایی مانند هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی در پرتوی اصل ۱۱۳ و کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی، به موجب اصل ۹۰ به نظارت بر عملکرد دستگاه قضایی در زمینه رعایت حقوق شهروندان از جمله حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری می‌پردازند (موثق، ۱۳۸۰، ص ۱۶۱). با وجود این، تصمیم‌گیران سیاست جنایی ایران در سال ۱۳۸۳ هنگام تدوین قانون احترام به

۱. ماده ۵۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری.

آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی با رویکردی ویژه به حمایت از حق متهمان مبنی بر بهره‌مندی از وکیل نگریسته‌اند؛ بدین معنا که از یک‌سو این حق را فقط از جلوه‌های حقوق شهروندی برشمرده‌اند و از سوی دیگر، با تأسیس هیئت‌های نظارت مرکزی و نظارت و بازرسی در دو سطح ملی و استانی، بر حمایت از این حق تأکید کرده‌اند. هیئت نظارت مرکزی براساس مواد ۱ و ۲ دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون یادشده، موظف شده است که در سطح ملی به نظارت بر اجرای دقیق قانون یادشده، شکایت از نقض کنندگان آن و ارائه گزارش در زمینه روند اجرای این قانون مبادرت کند. هیئت نظارت و بازرسی نیز بر پایه مواد ۴ و ۸ این دستورالعمل با عضویت شماری از دادرسان، نمایندگان سازمان قضایی نیروهای مسلح، سازمان بازرسی کل کشور و دادسرای انتظامی قضات، وظایفی از جمله بازرسی نهادهای مسئول اجرای این قانون و رسیدگی به گزارش‌ها و شکایت‌های فرستاده‌شده را بر عهده دارد. این هیئت به موجب مواد ۱۴ و ۱۵ دستورالعمل مزبور، در صورت مشاهده نقض آشکار حقوق شهروندی مانند سلب حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری، «باید بی‌درنگ موضوع را حسب مورد به قاضی دادگاه یا دادستان مربوط اعلام کند». بدین ترتیب، سیاست‌گذاران جنایی ایران با تأسیس این نهادها، نظارت بر اجرای دقیق حق دسترسی متهمان به وکیل در فرآیند کیفری را به‌منزله یکی از جلوه‌های حقوق شهروندی مورد توجه قرار داده‌اند (نیازپور، ۱۳۸۶، ص ۱۰۷).

د) **ضرورت اتخاذ رویکرد افتراقی در قبال جرائم سازمان‌یافته و امنیتی:** امروزه هدف آیین دادرسی کیفری از یک‌سو تضمین دفاع از جامعه در برابر جرم و از سوی دیگر، رعایت حقوق افراد (بزه‌دیده و متهم) در فرآیند رسیدگی کیفری است. از این‌رو، سیاست جنایی برخی از کشورها مبتنی بر به‌کارگیری هر دو الگوی کنترل جرم و الگوی دادرسی عادلانه به صورت تلفیقی است؛ یعنی با افتراقی کردن عدالت کیفری در مورد مجرمان خطرناک، تروریستی، اقتصادی، جرائم جهانی شده و بدون مرز و غیره، از مدل کنترل جرم استفاده می‌شود که مبتنی بر سختگیری، افزایش اختیارات ضابطان در تعدیل برخی از حقوق متهمان (مانند دسترسی به وکیل) و سرعت در تعیین و اجرای مجازات برای این دسته از مجرمان است. برای سایر مجرمان مانند مجرمان قابل اعتماد و فاقد سوءسابقه، سیاست کیفری مبتنی بر الگوی عدالت محور (کرامت محور) یا الگوی دادرسی عادلانه است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۲، ص ۱۷).

در حقوق ایران، به‌منظور تلفیق بین وظیفه ضابطان دادگستری (ضرورت تحقیق و کشف حقیقت) و رعایت حقوق دفاعی متهم و در جهت اتخاذ رویکرد افتراقی به جرائم سازمان‌یافته و امنیتی، ضابطان بایستی از امکان به تأخیر انداختن یا ممانعت موقت از مداخله وکیل مدافع در بازجویی برخوردار باشند.^۱ بنابراین، در مواردی که ضابطان تشخیص دهند ملاقات با وکیل با محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات در تعارض است، بایستی طبق تصمیم یک مقام قضایی امکان محروم ساختن وکیل مدافع از شرکت در تحقیقات به‌طور موقت پیش‌بینی شود. از این‌رو، سازوکار به تأخیر انداختن یا ممانعت از ملاقات مظنون با وکیل خود صرفاً در موارد زیر تجویز می‌شود:

۱- در مواردی که به دلیل شرایط خاص تحقیقات ضابطان یا جلوگیری از لطمه‌ای مهم و اساسی به حقوق اشخاص، به تأخیر انداختن دخالت وکیل ضروری بوده یا حسن جریان تحقیقات فوری ضابطان که جمع‌آوری یا حفظ دلایل را به دنبال دارد، ایجاب کند.

۲- اتخاذ این تصمیم‌گیری باید به‌صورت کتبی و مستدل و با تکیه بر شرایط و اوضاع و احوال خاص مربوط به هر پرونده که قرائن و امارات روشن و صریح دال بر محدودیت این حق وجود داشته باشد تا حق اعتراض بعدی شخص نزد مقام قضایی را امکان‌پذیر کند تا این مقام قضایی بتواند ضرورت تصمیم به تأخیر انداختن دخالت وکیل مدافع در تحقیقات را مورد ارزیابی قرار دهد.

در همین چارچوب، تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری (قبل از اصلاح)، در پاره‌ای از جرائم مهم، حضور وکیل مدافع و بهره‌مندی از مشورت با او را با شروع تحت‌نظر نپذیرفته بود. بی‌تردید، وجود این تبصره سوای ایرادات وارده بر آن، گامی به جلو در راستای ضرورت افتراقی کردن جرائم سازمان‌یافته و امنیتی به شمار می‌رود.

انجام تحقیقات محرمانه اولیه و سرعت عمل در حفظ دلایل، آثار جرم و جلوگیری از آثار سوء جرم ارتكابی در جرم‌های سازمان‌یافته، محدود کردن حضور وکیل متهمان جرم‌های امنیتی را در این مرحله توجیه می‌کند. پیروی از رویکرد امنیت مدار بر

۱. مطابق مقررات ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تمام اشخاص مظنون به ارتکاب یک جرم جزء در موارد استثنایی مبتنی بر دلایل ضروری که ناشی از شرایط و احوال ویژه هر پرونده بوده و نه تنها براساس ماهیت جرم ارتكابی، باید در ابتدای مرحله تحت نظر، جز در موارد انصراف قطعی و منجز خود، از همراهی وکیل برخوردار باشند (ورژه، ۲۰۱۰، ص ۱۱۴). همچنین، اصل ۷ از اصول اساسی نقش وکلای دادگستری، تأخیر در دسترسی متهم به وکیل در مرحله پس از بازداشت را تنها برای مدت ۴۸ ساعت مجاز شناخته است و این استثنا برای مقابله با جرائم خطرناک در نظر گرفته شده است.

محرومیت حضور وکیل مدافع تا مدتی پس از شروع تحت نظر در جرائم مورد اشاره، زیر عنوان «آیین دادرسی کیفری ویژه» در بیشتر نظام‌های آیین دادرسی کیفری پذیرفته شده است (ساقیان، ۱۳۹۳، ص ۱۱۶). با این وجود، گرایش قانون‌گذار به سمت اعمال محدودیت‌ها و استثنائات بیشتر در مقابل قواعد عمومی و مسلم، همچون محرومیت موقت متهم از برخی از حقوق می‌تواند دلیلی بر گرایش امنیت محوری باشد. البته در کنار وضع استثنائات متعدد، قانون‌گذار بایستی سعی کند تا با وضع تشریفات و تعیین قیود مشخص و محدودکننده، مانع سوءاستفاده‌های احتمالی ضابطان و تضییع حقوق متهم شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مقاله، شناسایی چالش‌ها، موانع و ارائه سازوکارهای رعایت حق دسترسی به وکیل در بازجویی پلیس است. در حال حاضر، میزان حضور و دخالت وکلای مدافع متهمان در پرونده‌های جنایی و امنیتی بسیار ضعیف است و این حضور منوط به اجازه بازپرس است. به عبارتی، برای حضور وکیل در پلیس‌های آگاهی و اطلاعات و مواد مخدر جهت مداخله در پرونده جرائم جنایی، امنیتی و سازمان‌یافته، اذن بازپرس رسیدگی‌کننده به آن پرونده‌ها، موردنیاز است و می‌بایست قبلاً وکیل با موکل خود، قراردادی را تنظیم و به تأیید قاضی تحقیق رسانیده باشد. در این صورت، حضور وکیل در نزد ضابطان دادگستری بلامانع است؛ یعنی چنانچه وکیل مدافع متهم قبلاً روند مذکور را طی نکرده باشد یا قاضی تحقیق حضور نامبرده را در پرونده متهم نپذیرد، وی حق حضور در اداره پلیس و دخالت در آن پرونده را نخواهد داشت. بنابراین، این قسمت از پژوهش با نتایج پژوهش نیازپور (۱۳۸۶) مبنی بر بیگانه انگاشتن حق دسترسی به وکیل در پرونده‌های جنایی هم‌راستا است. همچنین، نتایج پژوهش حاضر از این حیث که پذیرش یا عدم پذیرش وکیل ارتباط نزدیکی با میزان توانایی ضابطان در بهره‌گیری از روش‌های علمی کشف جرم و شناسایی و دستگیری متهمان دارد، پژوهش فرحیها و مقدسی (۱۳۸۸) را کاملاً تأیید می‌کند. همچنین، در بحث ملزم کردن طرفین دعوا در جرائم امنیتی و سازمان‌یافته برای تعیین وکیل از بین وکلای رسمی دادگستری مورد تأیید قوه قضائیه مغایر با قانون اساسی و اسناد حقوق بشری و تکالیف بین‌المللی ایران است، با نتایج پژوهش گلدوست جویباری و ابراهیمی‌منش (۱۳۹۴) هم‌راستا است. در خصوص

اینکه یکی از مؤثرترین روش‌های فراهم آوردن شرایط لازم برای پذیرش وکیل در نزد ضابطان، تجهیز پلیس به روش‌های مدرن و علمی جمع‌آوری ادله فیزیکی است، پژوهش رجبی تاج امیر (۱۳۹۸) را تأیید می‌کند.

بی‌تردید، کاهش مداخله وکیل در فرآیند بازجویی‌های پلیس، افزایش فرصت‌ها و موقعیت‌های منجر به نقض حقوق دفاعی متهم و سوءاستفاده احتمالی ضابطان دادگستری در انجام وظایفشان را به همراه خواهد داشت. پس بایستی تمهیداتی اندیشیده شود تا ضمن تضمین حق دسترسی متهم به وکیل، ضابطان نیز در انجام بازجویی‌های خود با کمترین مشکل مواجه شوند. از این‌رو، پیش‌بینی سازوکارهایی همچون ضوابط و شاخص‌های عینی برای اعمال هرگونه محدودیت نسبت به حق دسترسی متهم به وکیل به خصوص در جرم‌های مهم ضروری است.

گفتنی است، هرچه نظام‌های کشف جرم، سنتی‌تر و غیرعلمی‌تر باشند، حضور وکیل موانع جدی‌تری بر سر راه آن‌ها برای به نتیجه رسانیدن پرونده‌ها از رهگذر اجبار فیزیکی برای گرفتن اقرار ایجاد خواهد کرد. در پایان، با توجه به نتایج تحقیق حاضر و اهداف آن، راهکارهایی در قالب پیشنهاد ارائه می‌شود.

- اصلاح ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری به‌منظور تلفیق بین کارایی حق دفاع متهم و وظیفه ضابطان (کشف حقیقت) و پیش‌بینی مهلتی دوساعته برای حضور وکیل مدافع با در نظر گرفتن عامل‌های جغرافیایی و انسانی؛

- به‌منظور اتخاذ رویکرد افتراقی به جرائم سازمان‌یافته و امنیتی و سازش بین دو الگوی کنترل جرم (ضرورت تحقیق و کشف حقیقت) و رعایت تشریفات قانونی، تبصره ماده ۴۸ قانون مذکور بدین شرح اصلاح شود: «اگر شخص به علت اتهام ارتکاب یکی از جرائم سازمان‌یافته یا جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور یا جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده ۳۰۲ این قانون، تحت نظر قرار گیرد تا ۲۰ روز پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن امکان ملاقات با وکیل را ندارد»؛

- آموزش شیوه‌های فنی و علمی نوین جرم‌یابی به بازجویان و طراحی منشور حقوق متهم و منشور اخلاق حرفه‌ای مأموران در سرفصل دروس آموزشی دوره‌های طولی و عرضی مأموران بازجو؛

- فراهم کردن سازوکار استفاده از وکیل کشیک یا وکیل موظف مثل سایر کشورها برای متهم و بزه‌دیده در اماکن پلیس از طریق کانون وکلای مرکز؛

- فراهم کردن سازوکار دسترسی تلفنی متهم به وکیل توسط ضابطان در صورت عدم امکان ملاقات حضوری متهم با وکیل خود در جهت تسریع در روند تحقیقات جنایی و کشف جرم؛
- ضرورت طراحی «سامانه وکیل تسخیری» در راستای بهره‌مندی مناسب متهم و بزه‌دیده از حق دسترسی به وکیل و فراهم کردن سازوکار اجرایی آن در کشور؛
- از رهگذر اصل سی و پنجم قانون اساسی، دولت مکلف به تهیه بودجه و امکانات مناسب برای دسترسی بزه‌دیده به وکیل در موارد ناتوانی مالی - اقتصادی شود؛
- اختصاص دادن مکانی در جهت تضمین محرمانه بودن ارتباط بین وکیل و موکل در مقر پلیس.

تشکر و قدردانی

پژوهشگر بر خود لازم می‌داند از جناب آقای دکتر علی خالقی (مدیر محترم گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران) که در جمع‌آوری داده‌های پژوهش حاضر، حمایت کرده و صبورانه وقت گذاشته و همکاری کردند، صمیمانه کمال تشکر و قدردانی را داشته باشد.

منابع

منابع فارسی

- آشوری، محمد (۱۳۹۶). *آیین دادرسی کیفری*. تهران: انتشارات سمت.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۵). تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام. *مجله تحقیقات حقوقی*. ۳۰(۴۳)، صص ۹۴-۵۹. بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage71971>
- خالقی، علی (۱۳۹۴). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول. تهران: نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش. چاپ سی و چهارم.
- دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر ملل متحد (۱۳۹۰). *واکنش‌های عدالت کیفری به تروریسم* (پیمان نامامیان، مترجم). تهران: نشر میزان. چاپ اول.
- رجیبی تاج امیر، ابراهیم (۱۳۹۸). *حق دسترسی به وکیل در تحقیقات پلیسی*. تهران: انتشارات مجد. چاپ اول.

- ساقیان، محمدمهدی (۱۳۸۵). اصل برابری سلاح‌ها در فرآیند کیفری (با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران). *مجله حقوقی دادگستری*. ۷۰ (۵۶-۵۷)، صص ۷۹-۱۱۰. بازیابی از: http://www.jlj.ir/article_11439.html
- ساقیان، محمدمهدی (۱۳۹۳). تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*. ۲ (۶)، صص ۱۳۶-۱۱۳. بازیابی از: <https://www.magiran.com/paper/1373676>
- طلایی، احمد (۱۳۸۸). *چالش‌های پلیسی رعایت حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- فرجیها، محمد و مقدسی، محمدباقر (پاییز ۱۳۸۸). دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی. *مجله پژوهش‌های حقوقی*. ۸ (۱۶)، صص ۱۳-۲۸. بازیابی از: http://jlr.sdil.ac.ir/article_41518.html
- قاسمی مقدم، حسن (پاییز و زمستان ۱۳۹۴). تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری؛ با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲. *پژوهشنامه حقوق کیفری*. ۶ (۲)، صص ۱۵۳-۱۲۹. بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/viewpaper.aspx?id=294916>
- گلدوست جویباری، رجب (۱۳۹۳). *آیین دادرسی کیفری*. تهران: نشر جنگل جاودانه.
- گلدوست جویباری، رجب و ابراهیمی منش، مهران (۱۳۹۴). حق برخورداری مظنونان و متهمان از وکیل مدافع منتخب؛ تطبیق با اسناد حقوق بشری. *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*. ۲ (۶)، صص ۱۳۶-۱۱۷. بازیابی از: http://jclc.sdil.ac.ir/article_40883.html
- مال میر، احمد (۱۳۸۵). *حاکمیت قانون؛ مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها*. تهران: دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. چاپ اول.
- موثق، آناهیتا (۱۳۸۰). *حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- موحد، محمدعلی (۱۳۸۴). *در هوای حق و عدالت (از حقوق طبیعی تا حقوق بشر)*. تهران: نشر کارنامه. چاپ سوم.
- موذن زادگان، حسنعلی (۱۳۸۹). *تضمینات حقوق دفاعی متهمان و امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی*. *فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*. ۱۲ (۲۸)، صص ۳۲۸-۲۹۹.

بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/viewpaper.aspx?id=174765>

- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۹۲). متن سخنرانی درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها در بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری. مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری. تهران: نشر میزان. چاپ اول.

- نیازپور، امیرحسین (بهار ۱۳۸۶). حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری؛ جلوه‌ای از حقوق شهروندی. مجله حقوقی دادگستری. ۷۱(۵۸)، صص ۱۱۸-۹۳. بازیابی از: http://www.lji.ir/article_11433.html

- نیازپور، امیرحسین (زمستان ۱۳۸۷). سیاست جنایی بین‌المللی در زمینه حق بزه‌دیدگان برای داشتن وکیل در فرآیند کیفری. مجله تحقیقات حقوقی. ۱۱(۱۳۹)، صص ۲۰۵-۲۲۴. بازیابی از:

http://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56433.html

منابع انگلیسی

- Pradel, j. (2004). Procedure penale. 12e ed. Paris, Cujas. Retrieved from: <https://www.lgdj.fr/procedure-penale-9782254194063.html>
- Verges, E. (2010). La Transformation du Modele Francais de la Garde a vue, R.P.D.P. N4. Retrieved from: <https://criminocorpus.org/en/ref/148/376/>